



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
In the Name of Allah, the Compassionate the Merciful



مرکز بین‌المللی
ترجمه و نشر المصطفیٰ

مبانی پولی و مالی بانکداری اسلامی

نعمت‌اله پناهی بروجردی

سخن ناشر

با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در عصر جهانی شدن ارتباطات، پرسش‌ها و چالش‌های نوینی در حوزه علوم انسانی، فراروی اندیشمندان مسلمان قرار گرفت که برخاسته از مسئولیت دشوار حکومت در این عصر است؛ دورانی که پایبندی به دین و سنت در مدیریت همه‌جانبه کشورها بسیار چالش‌برانگیز می‌نماید. از این رو، مطالعات و پژوهش‌های به‌روز، جامع، منسجم و کاربردی در حوزه دین، بر اساس معیارهای معتبر جهانی و اندیشه‌های ناب و ژرف، بایسته و ضروری است و جلوگیری از انحرافات فکری و تربیتی پژوهندگان حوزه دین، مهم و مورد عنایت بنیان‌گذاران این شجره طیبه، به‌ویژه معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی علیه‌السلام و مقام معظم رهبری علیه‌السلام می‌باشد.

جهانی‌شدن و گسترش سلطه فرهنگی غرب در سایه رسانه‌های فرهنگی و ارتباطی، اقتضا دارد که دانش‌پژوهان و علاقه‌مندان به این مباحث، با اندیشه‌های بلند و ارزش‌های متعالی آشنا شوند و این مهم، با ایجاد رشته‌های تخصصی، تولید متون جدید و غنی، گسترش دامنه آموزش و تربیت سازمان‌یافته دانشجویان به سرانجام خواهد رسید. این فرایند، گاه در پرداختن به مباحث بنیادین و تدوین متون تخصصی تعریف می‌شود و گاه در نگارش بحث‌های علمی، اما نه چندان پیچیده و تخصصی به ظهور می‌رسد.

بالندگی مراکز آموزشی و پژوهشی، در گرو نظام منسجم، قانونمند و پویاست. بازنگری در متن‌ها و شیوه‌های آموزشی و پژوهشی و به‌روز کردن آنها نیز این انسجام و پویایی و در نتیجه، نشاط علمی مراکز آموزشی و پژوهشی را در پی دارد.

«جامعة المصطفی علیه‌السلام العالمية» به‌عنوان بخشی از این مجموعه، که رسالت بزرگ تعلیم و تربیت طلاب غیرایرانی را بر عهده دارد، تألیف متون آموزشی و پژوهشی مناسب را سرلوحه تلاش خود قرار داده و تدوین و نشر متون در موضوعات گوناگون علوم دینی، حاصل این فرایند است.

مرکز بین‌المللی

ترجمه و نشر المصطفی علیه‌السلام

پیش‌گفتار

بشر دارای دو گروه نیازهای ثابت و متغیر است. نیازهای ثابت انسان همان نیازهایی اساسی و کلی‌اند که متأثر از زمان و مکان نیستند و بشر چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی همواره با آنها دست به‌گریبان بوده است. نیازهای متغیر انسان در پاسخ به نیازهای اساسی و از پس آنها رخ می‌دهند. به عبارت دیگر، پاسخ‌ها در مراحل بعدی خود به نیازهای جدیدی تبدیل می‌شوند. از این‌رو، نیازهای متغیر بسیار متنوع و «نو به نو شونده» هستند، و در پدید آمدن آنها تغییر در زمان و مکان بسیار نقش‌آفرین است.

از سوی دیگر، بر اساس حکمت و تدبیر الهی، در دایره خلقت هر نیازی پاسخ مناسب خود را دارد و مشعر به آن است. تجارب بشر و مشاهده‌های تاریخی به خوبی نشان می‌دهد که افراد بشر و جامعه‌های مختلف برای یافتن پاسخ مطلوب، راه واحدی نیپیموده، و در نتیجه، به پاسخ یکسانی هم نرسیده‌اند. از این‌رو، مشاهده می‌شود که در مجموع، بشر به این نیازها با یک تنوع فرهنگی چشم‌گیری پاسخ داده و می‌دهد؛ به طوری که می‌توان گفت تنوع در پاسخ‌ها به مراتب گسترده‌تر از تنوع در نیازهاست. نکته مهم و اساسی این است که تنوع شناختی و ادراکی که بشر از نیازها و پاسخ مناسب آنها پیدا می‌کند ریشه در نگاه او به هستی و نگاه ارزشی او دارد. به عبارت دیگر، بشر چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی بر اساس مبانی و اصول معرفتی و اعتقادی و متناسب با اهداف خود نیازها و پاسخ‌های مطلوب آنها را شناسایی، تعریف و تبیین می‌کند. روشن است که بشر هم در

شناخت ماهیت واقعی نیازها و هم در جستجوی خود برای پاسخ مناسب، نه لزوما همیشه به راه صواب رفته و نه به پاسخ درست دست یافته است. عدم موفقیت افراد، گروه‌های بشری، و جامعه‌ها در شناخت ماهیت واقعی نیازها و یافتن پاسخ مناسب هرچند با خطاهای معمول انسانی نیز می‌تواند در ارتباط باشد؛ اما بیش از آن، ناشی از مبانی و اصول معرفتی و اعتقادی نادرست آنهاست.

نیاز یا نیازهای معیشتی و اقتصادی یکی از نیازهای ثابت و اساسی بشر است که در فرآیند تاریخی پاسخ به آن، نیازهای متغیر جدید فراوانی در همین حوزه پدید آمده است که از جمله می‌توان به نیاز به مبادله اشاره کرد. بشر در حرکت تاریخی خود به مرحله‌ای رسید که دیگر نمی‌توانست بدون مبادله نیازهای معیشتی خود را تامین کند. نیاز به مبادله نیز به دنبال خود نیاز به وسیله مبادله در قالب‌های متفاوت پولی را به همراه داشت. با ابداع پول، به تدریج بشر به نیاز جدیدتری به نام تجهیز و تخصیص وجوه روبرو شد و در پاسخ به آن چیزی به نام بازار پول و نظام و سامانه بانکی شکل گرفت. بنابراین، نیاز به تجهیز و تخصیص، و پاسخ آن یعنی بانکداری و نظام و سامانه بانکی دو واقعیت جامعه بشری اند که شکل‌گیری آنها متأثر از نگاه شناختی و ارزشی جامعه‌هاست. به دیگر سخن، هر نظامی از جمله نظام بانکداری متناسب با ماهیت خود، مبتنی بر مبانی، اهداف و روش‌های خاص خود پایه‌گذاری و ایجاد می‌شود و دارای مسائل خاص خود خواهد بود که در تعیین سازوکارها و کارکردهای آن نقش اساسی دارد. روشن است که مبانی، اهداف و روش‌ها می‌توانند اسلامی یا غیراسلامی باشند. ازاین‌رو، در زمانه ما، نسبت به نیاز تجهیز و تخصیص متأثر از نگاه شناختی و ارزشی دو پاسخ متفاوت عمده شکل گرفته و یا در حال شکل‌گیری است: «بانکداری متعارف» و «بانکداری اسلامی». پاسخ جوامع غربی به نیاز تجهیز و تخصیص همان «بانکداری متعارف» یا «نظام بانکداری ربوی» است. پاسخ جوامع اسلامی به این نیاز نیز با عنوان «بانکداری اسلامی» یا «نظام بانکداری بدون ربا» در حال شکل‌گیری است.

در این پژوهش تلاش شده است که از سویی، مبانی پولی و مالی بانکداری اسلامی به تفصیل مورد بررسی قرار گیرد و از رهگذر آن تفاوت ماهوی «بانکداری اسلامی» از «بانکداری متعارف» تبیین شود؛ و از سوی دیگر، نشان داده شود که «بانکداری اسلامی» را باید از دل مبانی و اصول اسلامی استنباط و استخراج کرد، و نمی‌توان از طریق اعمال برخی اصلاحات و تعدیل‌ها در «بانکداری متعارف» و تأمین برخی جنبه‌های شرعی به «بانکداری اسلامی» رسید؛ زیرا تفاوت این دو نظام ماهوی است.

مسئولیت انجام این پژوهش به عهده فاضل ارجمند حجت الاسلام و المسلمین نعمت‌اله پناهی بروجردی بوده است که ضمن تشکر صمیمانه از ایشان، از سایر کسانی که به نحوی در به سامان رسیدن این اثر نقش داشته‌اند از جمله حجت الاسلام دکتر بناری مسئول سابق پژوهشکده علوم انسانی و حجت الاسلام دکتر معارفی مسئول فعلی این پژوهشکده، و نیز از ارزیابان محترم حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن آقا نظری و حجت الاسلام دکتر محمد جواد محقق به دلیل حوصله و دقت در ارزیابی اثر؛ تقدیر و تشکر بعمل می‌آید.

فهرست

۱۵	مقدمه
۲۱	فصل اول: مفاهیم، تعاریف و کلیات
۲۱	بخش حقیقی و بخش مالی و اعتباری
۲۴	بازار
۲۵	پول
۲۷	بازار پول و سرمایه
۲۸	نظام پولی
۲۹	ثروت، دارایی و تفاوت آنها
۳۲	اصل و مبنا و فرق اصول و مبانی
۳۶	اقتصاد پولی
۳۸	نظام بانکداری متعارف (ربوی)
۴۰	نظام بانکداری اسلامی (بدون ربا)
۵۰	عرضه و تقاضای پول
۵۴	کارمزد
۵۶	ربا
۵۸	بهره
۶۸	سود

- فصل دوم: مبانی اسلامی ماهیت پول و نسبت آن با مال ۷۳
- شکل گیری پول در جامعه های بشری و رویکردهای بررسی آن ۷۳
- رویکرد تاریخی به ماهیت پول ۷۷
۱. پول کالایی ۷۸
۲. پول فلزی ۸۰
- الف) نظام پول فلزی طلا و نقره بدون رابطه میان آنها ۸۱
- ب) نظام پول دو فلزی، با رابطه مشخص میان آن دو ۸۱
- ج) نظام پولی تک فلزی ۸۲
۳. پول کاغذی با پشتوانه طلا و نقره (پول نماینده کامل) ۸۳
- الف) پول حکمی (حکومتی) ۸۶
- ب) پول تحریری ۸۷
- ج) پول رقمین (دیجیتال) ۸۹
- یکم. پول الکترونیکی ۹۰
- دوم. پول مجازی ۹۱
۴. پول در جهان اسلام و ایران ۹۵
- رویکرد اقتصادی به ماهیت پول ۹۹
۱. ماهیت پول با توجه به وجه کالایی ۱۰۱
۲. ماهیت پول با توجه به وجه ابراری ۱۰۲
۳. آثار اقتصادی پول ۱۰۹
- رویکرد فقهی (فقه الاقتصاد) به ماهیت پول ۱۱۰
۱. مال و مالیت ۱۱۱
۲. اعتبار و مالیت ۱۱۷
۳. مکانی و زمانی بودن مالیت ۱۲۹
۴. رابطه نیاز، مرغوبیت و مالیت ۱۳۰
۵. مقبولیت شرعی اعتبارات عرفی و عقلانی در مورد مال و مالیت ۱۳۴
۶. ماهیت، پول اعتباری و مستحدث بودن آن ۱۴۶
۷. مرغوبیت و مالیت پول اعتباری ۱۵۶
۸. صدق و کذب گزاره های پولی ۱۷۰

۱۷۳	فصل سوم: مبانی اسلامی کسب درآمد (سود) از پول
۱۷۳	انتفاع کسبی از مال
۱۷۶	انتفاع کسبی از پول
۱۷۹	خنثی بودن پول
۱۸۳	رابطه مولد بودن پول و استحقاق زیاده
۱۸۴	خرید و فروش پول: (پول داخلی، پول خارجی)
۱۸۸	قالب‌های شرعی انتقال پول و نوآوری در آنها
۱۹۳	تاثیر قصد و اراده در شرعیت انتقال پول
۱۹۵	استهلاک اموال
۲۰۰	۱. ضمان
۲۰۴	۲. غصب
۲۰۷	۳. دین
۲۱۰	۴. بیع
۲۱۱	۵. اجاره
۲۱۳	۶. هبه
۲۱۵	۷. عاریه
۲۱۶	۸. رهن
۲۱۹	۹. قرض
۲۲۳	استهلاک و کاهش ارزش پول
۲۳۶	هزینه فرصت اموال و پول
۲۵۰	ریسک و مخاطره و نسبت آن با پول
۲۷۴	حرمت ربا و حیل‌های آن
۲۹۵	فصل چهارم: حرمت ربا و نظریه‌های محدودکننده آن
۲۹۸	اختصاص ربا به زیاده برای تمدید مدت بدهی
۲۹۹	اختصاص ربا به زیاده فاحش
۳۰۱	اختصاص ربا به زیاده در قرض‌های مصرفی
۳۲۲	اختصاص ربا به بهره بانک‌های خصوصی

- ۳۲۹ _____ اختصاص ربا به بهره قراردادی و مشروعیت بهره طبیعی
- ۳۶۲ _____ اختصاص ربا به درآمد ثابت از پیش تعیین شده و بهره به درآمد متغیر غیرقابل پیش بینی
- ۳۶۸ _____ اختصاص ربا به بازدهی پول به صورت واسطه مبادله و بهره به بازدهی پول به صورت سرمایه
- ۳۷۴ _____ اختصاص ربا به اشخاص حقیقی و حلیت ربا بین اشخاص حقوقی
- ۳۸۶ _____ اختصاص ربا به فعالیت های تجاری و حلیت بهره در سیاست گذاری پولی
- ۴۰۳ _____ ضرورت اقتصادی ربا و بهره بانکی
- ۴۱۵ _____ فصل پنجم: مبانی عرضه و تقاضای پول در بازار اسلامی
- ۴۱۵ _____ تامین مالی
- ۴۱۹ _____ بازار پول، نظام بانکی و بانکداری مرکزی
- ۴۲۲ _____ بازار پول، نظام بانکی و بانکداری مرکزی اسلامی
- ۴۳۹ _____ دو نکته
- ۴۳۹ _____ ۱. قصد معاملی و هدف غایی
- ۴۵۱ _____ ۲. نهاد، سازمان و موسسه ربوی
- ۴۵۷ _____ بانکداری تجاری
- ۴۵۹ _____ تجهیز و تخصیص منابع
- ۴۶۰ _____ ۱. تجهیز منابع در بانکداری تجاری متعارف و اسلامی
- ۴۶۹ _____ ۲. تخصیص منابع در بانکداری تجاری متعارف و اسلامی
- ۴۸۰ _____ خلق پول
- ۴۸۵ _____ ۱. دیدگاه واسطه مالی یا واسطه وجوه بودن بانک ها
- ۴۸۶ _____ ۲. دیدگاه ضریب فزاینده و خلق پول تجمعی بانک ها
- ۴۸۸ _____ ۳. دیدگاه خلق پول انفرادی بانک (تامین مالی به واسطه خلق پول)
- ۴۹۳ _____ ماهیت خلق پول
- ۵۱۳ _____ سیاست های پولی و نقش آنها در خلق پول و ارزش پول
- ۵۱۸ _____ کاهش ارزش پول
- ۵۲۳ _____ جبران کاهش ارزش پول

۵۴۳	نتیجه گیری
۵۴۳	نتایج فصل اول
۵۴۵	نتایج فصل دوم
۵۵۲	نتایج فصل سوم
۵۶۴	نتایج فصل چهارم
۵۷۱	نتایج فصل پنجم
۵۷۳	منابع

مقدمه

در تمامی جوامع گروهی از صاحبان وجوه و پس اندازهای نقدی، به دلایل مختلف، علاقه یا توان سرمایه گذاری مستقیم در فعالیت های سود آور اقتصادی را ندارند و از سوی دیگر خیلی از فعالان اقتصادی با داشتن دانش، تجربه و توان کاری، منابع مالی مورد نیاز برای سرمایه گذاری را در اختیار ندارند، یعنی همواره در جامعه گروهی وجود دارند که تقاضاکنندگان وجوه و اعتباراتند و مشتمل بر سرمایه گذاران، تولیدکنندگان کالاها و خدمات، و یا دولت است. و نیز گروهی وجود دارند که دارندگان و عرضه کنندگان وجوه و اعتبارات اند، و مشتمل بر پس اندازکنندگان، موسسات اعتباری و مالی، و صاحبان سرمایه است. این یک پدیده واقعی اجتماعی است که در طول تاریخ بشر به ویژه از زمانی که پول وارد صحنه زندگی او شد، خود را نشان داده است بنابراین این نیاز واقعی جامعه بشری است و امری خارجی است که اصل وجود آن امری مستقل از تعریف است. اما بدون شک نوع نگاه در تحلیل و تبیین این پدیده و بیان چپستی آن تاثیر گذار است.

بشر غربی برای حل این مشکل یا نیاز بخش مالی را تعریف کرده است. بخش مالی همان بازارهای پول و سرمایه است که با استفاده از انواع ابزارهای مالی، نقش واسطه بین این دو گروه را بازی می کند.

بی گمان، جامعه های اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیستند و با این پدیده واقعی و خارجی روبرو هستند؛ یعنی در جامعه های اسلامی نیز همواره گروهی از فعالان اقتصادی هستند که با داشتن دانش، تجربه و توان کاری، با کمبود وجوه مواجه هستند و منابع مالی

مورد نیاز برای ادامه فعالیت و سرمایه گذاری را در اختیار ندارند. همچنین گروهی دیگر وجود دارد که دارای وجوه و پس اندازهای نقدی هستند و با مازاد وجوه روبروند، اما به دلایل مختلف، علاقه یا توان سرمایه‌گذاری مستقیم در فعالیت‌های سود آور اقتصادی را ندارند. بنابراین، جامعه اسلامی نیز به سامانه و سازکاری نیاز دارد که بتواند به‌طور سامانه‌ای و نظام‌مند و در سطح کلان، نقش واسطه بین این دو گروه را بازی کند. به بیان دیگر، جامعه اسلامی نیز به بخش مالی یا همان بازارهای مالی - از آن جهت که دارای کارکرد تجهیز و تخصیص منابع مالی و تامین مالی هستند - نیازمند است. از سوی دیگر، بدیهی است که بازارهای پول و سرمایه در اقتصاد متعارف براساس سازوکار ربوی تعریف شده و شکل گرفته‌اند. از این رو، با توجه به تعریف رسمی و متعارف از این بازارها، باید گفت که وجود این بازارها در اقتصاد اسلامی قابل توجیه نیست و اقتصاد اسلامی ماهیتاً فاقد چنین بازارهایی است. این در حالی است که همانطور که گفته شد، جامعه اسلامی همواره با این دو گروه روبرو است، پس نیازمند بخش مالی و تامین مالی و در نتیجه نیازمند سامانه و سازکاری است که نقش واسطه بین این دو گروه را بازی کند. روشن است که در فضای اسلامی، این نیاز باید با توجه به ماهیت و مبانی اقتصاد اسلامی حل شود. به این معنا که اقتصاد اسلامی باید بازارهای پول و سرمایه را براساس تعریفی که خود بر پایه‌ای غیر ربوی ارائه می‌کند، شکل دهد؛ یعنی باید بر اساس مبانی اسلامی تعریفی غیر ربوی از بخش مالی و بازارهای پول و سرمایه ارائه دهد و سپس بر اساس آن ساختارهای این دو بازار را شکل دهد.

انجام این کار در واقع به معنای ایجاد ماهیتی جدید است و هرگز به معنای ایجاد رفرم، اصلاح و تعدیل در بخش مالی متعارف نیست. حال اگر اقتصاد اسلامی و اقتصاددانان مسلمان - از آن جهت که مسلمانند و خواهان برقراری روابط اسلامی در اقتصاد هستند؛ و نه از آن جهت که صرفاً به آنها مسلمان اطلاق می‌شود - در حال حاضر به دلیل محدودیت‌های دانشی و عملی قادر به ارائه مدل و الگویی مبتنی بر مبانی اسلامی نباشند، و به خاطر ضرورت‌های عملی ناچار باشند با کاربری تعدیل‌ها همان بانکداری متعارف را اجرا کنند، این به معنای بانکداری اسلامی نیست؛ بلکه توسل به بانکداری متعارف ربوی به دلیل

ضرورت‌های عملی بوده و از باب اکل میته است و هرگز نمی‌توان از چنین بانکداری متعارف تعدیل شده‌ای به عنوان بانکداری اسلامی غیر ربوی یاد کرد.

از سوی دیگر، در مورد بانکداری اسلامی دو دیدگاه کلی وجود دارد. دیدگاه اول این است که نظام بانکداری اسلامی مدل تعدیل‌شده نظام بانکداری متعارف (ربوی) است که در آن تمامی روابط و مناسبات آن سازگار با شریعت و فقه اسلامی و در راستای اهداف اساسی نظام اقتصادی اسلام مانند عدالت و اخلاق تنظیم می‌شود.^۱

در واقع باور این گروه این است که دو نظام ماهیتاً یکی هستند و تنها باید در آن تعدیل‌هایی به وجود آورد و فعالیت‌ها را به گونه‌ای سامان داد تا با داشتن نتیجه سازوکار ربوی (سود تضمین شده و بدون اینکه هیچ گونه ریسک و خطری متوجه دارندگان وجوه شود، یا به عبارت دیگر بدون اینکه دارندگان وجوه شریک در سود و زیان هر دو باشند)، نسبت به ربا مخالفت شکلی و قالبی با شرع پیش نیاید.

دیدگاه دوم - که این پژوهش بر اساس آن شکل می‌گیرد - این است که این دو نظام ماهیتاً متفاوتند و ایجاد تعدیل در بانکداری متعارف نمی‌تواند آن را قلب ماهیت کند. در توجیه عقلانی این دیدگاه می‌توان دلایل زیر را ارائه کرد:

۱. بانکداری یک پاسخ به یک نیاز واقعی جامعه بشری است یعنی نیاز تجهیز و تخصیص. پاسخ به این نیاز متأثر از نگاه شناختی و ارزشی یک جامعه است. بانکداری متعارف پاسخ به این نیاز در جوامع غربی است. بانکداری اسلامی نیز پاسخ جوامع اسلامی به این نیاز بر اساس دستگاه شناختی و ارزشی این جوامع است. این تفاوت دو ماهیت متفاوت را ایجاد می‌کند. بنابراین، بانکداری اسلامی را نباید از این زاویه نگاه کرد که برگرفته از بانکداری متعارف است آن گونه که مندر قحف می‌گوید بلکه از این نظر باید به آن نگریم که پاسخ جامعه اسلامی به یک نیاز واقعی است.

۱. در پیش‌گفتار کتاب *بانکداری اسلامی* تألیف سید عباس موسویان و حسین میسمی، فرهاد نیلی، رئیس وقت پژوهشکده پولی و بانکی، تصریح می‌کند که بانکداری اسلامی مدل تعدیل‌شده‌ای از بانکداری متعارف است.

۲. هر نظامی متناسب با ماهیت خود، مبتنی بر مبانی، اهداف و روش یا روش‌های خاص خود پایه‌گذاری و ایجاد می‌شود و دارای مسائل خاص خود خواهد بود که در تعیین سازوکارها و کارکردهای آن نقش اساسی دارد. از سوی دیگر، مبانی، اهداف و روش‌ها می‌توانند اسلامی یا غیراسلامی باشند. از این رو، نمی‌توان بدون تغییر آنها، در یک نظام تغییرات ماهوی ایجاد کرد.

۳. هر نظام یا سامانه مشتمل بر محتواها و قالب‌هایی است که بر اساس مبانی خاص خود در یک هماهنگی نظامند و سامانه‌ای در کنار هم قرار می‌گیرند. از آنجایی که مبانی اسلامی و غیر اسلامی دارد، این قالب‌ها و محتواها نیز، هر دو اسلامی و غیر اسلامی دارند. از سوی دیگر، نه هر قالبی را می‌توان به هر محتوایی زد و نه هر محتوایی را می‌توان در هر قالبی ریخت. زیرا قالب‌ها و محتواها در یک تناسب و هماهنگی نظامند و سامانه‌ای قرار دارند. به عبارت دیگر هر قالب صبغه، رنگ و بو، و کارکرد خاص خود دارد؛ چنانچه هر محتوایی نیز صبغه، رنگ و بو، و کارکرد خاص خود دارد. بنابراین، ریختن یک محتوا در یک قالب نامناسب به معنای وقوع تعارض بین کارکرد قالب و محتوایست که یا منجر به غلبه نسبی قالب بر محتوا یا غلبه نسبی محتوا بر قالب و یا خنثی و نابود شدن هر دو می‌شود. این بدان معناست که حاصل این تعارض موجودی خواهد بود که یا به کلی فاقد کارکرد قالب و محتوایست و یا برخی از کارکردهای قالب و برخی از کارکردهای محتوا را از دست داده است. از این رو نمی‌توان با ریختن یک محتوای غیراسلامی در یک قالب اسلامی آن را قلب ماهیت کرد و اسلامی نمود زیرا از یک سو، حتی اگر کارکرد قالب اسلامی غلبه نسبی هم پیدا کند باز هم برخی از کارکردهای خود را از دست می‌دهد، و از سوی دیگر، محتوای غیراسلامی حتی اگر برخی کارکردهای خود را از دست بدهد اما برخی دیگر را همچنان حفظ خواهد کرد. در نتیجه، در هر سه حالت، در فضای دینی، نتیجه امری نامطلوب است و دیگر نمی‌توان محصول این حالت‌ها را موجود دانست که مطلوب اسلام است. بنابراین، نظام بانکداری متعارف چون بر پایه، مبانی، اهداف و روش‌های خاص خود بنا شده است، تعدیل‌های به وجود آمده در آن، نمی‌تواند آن را قلب ماهیت کند و به یک

نظام اسلامی تبدیل کند؛ بلکه تنها می‌تواند منجر به تغییرات صوری در آن شود که نتیجه‌اش این خواهد بود که با وجود همان اهداف و مبانی ربوی و نیز با وجود همان سازوکار و کارکرد ربوی (سود تضمین شده و بدون اینکه هیچ‌گونه ریسک و خطری متوجه دارندگان وجوه شود، یا به عبارت دیگر بدون اینکه دارندگان وجوه شریک در سود و زیان هر دو باشند)، فعالیت‌ها به گونه‌ای سامان داده شود که مخالفت شکلی و قالبی با شرع پیش نیاید. بی‌گمان، نتیجه چنین فرآیندی در در اذهان مردم مسلمان نیز امری نامطلوب و غیرقابل پذیرش خواهد بود.

۴. درباره شکل‌گیری علوم اسلامی این دیدگاه وجود دارد که باید به جهان و هستی از زاویه دین اسلام نگاه کرد. این به معنای آن است که برای شناخت اثباتی جهان باید از پایگاه دین حرکت کرد و یافته‌های انسان را باید با ملاک دین ارزیابی و سنجید. باوجود این، حرکت از پایگاه دین برای شناخت اثباتی جهان، نه مستلزم این است که بین یافته‌های علوم متعارف و دین تعارض باشد، و نه هماهنگی و توافق کامل. اگر یک پدیده مثل نفع شخصی مطرح شود چه بسا هم از پایگاه غیر دینی و هم از پایگاه دینی بتوان به آن رسید. در این حالت این دو یافته لزوماً یکی نیستن؛ زیرا هر کدام در دستگاه خاص خود دارای تعریف، تبیین و معنا و مفهومی غیر از دیگری است. از این رو، این به معنای تمکین یکی از یافته‌های دیگری نیست. همچنین این بدان معنا نیست که هر دو دارای یک الگو خواهند بود.

۵. شاید در شرایط فعلی جوامع اسلامی، ضرورت‌های عملی ایجاب کند که الگو تعدیل‌شده‌ای از بانکداری متعارف با اعمال اصلاحات و تعدیل‌هایی که برخی جنبه‌های شرعی را تامین می‌کنند، به کار گرفته شود؛ اما این به معنای طراحی یک الگوی بانکداری اسلامی نیست. هنگامی می‌توان از الگوی اسلامی سخن گفت که همه اجزاء آن در دستگاه عقلانیت اسلامی تعقل شوند و بر این اساس خلق شوند. در این صورت، نه مهم است که در این الگو اجزائی شبیه اجزاء الگوهای دیگر یافت می‌شود؛ و نه به معنای اخذ آنها از الگوهای دیگر است؛ زیرا این مدل اکنون یک موجود تحقق یافته بر اثر عقلانیت اسلامی است که اجزاء خاص خود را دارد. همان‌طور که جسم انسان یک موجود مستقل است و

هیچ یک از اجزاء خود را مثلاً از اسب نگرفته است؛ اگرچه این دو در بسیاری از اجزاء بدن خود شبیه به هم هستند.

۶. اینکه مدل بانکداری اسلامی بر اساس مبانی اسلامی باید شکل بگیرد، منافی این نیست که در شکل‌دهی الگوی عملی از تجارب بشری نیز استفاده شود. چنانچه در زمینه‌های دیگری مانند مدل عملی حکومتی ولایت فقیه نیز از این تجارب استفاده شده است. مهم این است که وقتی پای مبانی پیش می‌آید، این مبانی تعیین‌کننده است که کدام تجربه قابل اخذ است و کدام نیست. به عبارت دیگر تجربه دیگران وقتی با عقلانیت اسلامی مورد تعقل واقع می‌شود و سپس اخذ یا رد می‌شود این به معنای فهم یک پدیده در دستگاه عقلانیت اسلامی و سپس تعیین سودمند بودن یا نبودن آن نسبت به انسان است. این به مانند تعقل هر پدیده دیگری است که اصلاً در مورد آن بشر سابقه تجربه قبلی ندارد. همانطور که اگر یک پدیده بدون سابقه قبلی مورد تعقل با عقلانیت اسلامی قرار گیرد، فهم آن و تعیین سودمندی آن یک تجربه در فضای اسلامی است؛ فهم یک پدیده با سابقه تجربه قبلی و تعیین سودمندی آن نیز تجربه‌ای در فضای اسلامی است.

حاصل آنکه نظام بانکداری و اهداف و روش یا روش‌های آن هنگامی اسلامی می‌شود که بر اساس مبانی اسلامی شکل بگیرد. در اینجا، مراد از مبانی - گزاره‌های کلی و اساسی‌ای که بانکداری اسلامی بر اساس آن شکل می‌گیرد و آن را ماهیتاً از بانکدار متعارف متفاوت و متمایز می‌کنند - مبانی قریب بانکداری اسلامی است؛ یعنی گزاره‌هایی مبنایی در مورد چیستی مال و پول، خنثی بودن (یا نبودن) پول، سیاست‌های پولی، و امثال آن. وجود این گزاره‌های مبنایی، در بعد نظری، روشن خواهد کرد که چه نوع فعالیت‌ها و عملیات بانکی - به اصطلاح شهید محمدباقر صدر - در خارج از منطقه الفراغ هستند و چه عملیاتی در منطقه الفراغ قرار دارند. در بعد عملی نیز طراحی و اجرا بانکداری مرکزی و نیز عملیات بانکی - به ویژه قراردادهای نوع و شکل فعالیت را مشخص می‌کنند - را مطابق با شریعت ممکن می‌سازد و می‌تواند از اسلامیت آنها رفع ابهام کند.